عنوان:

نفاق

|  |
| --- |
| شناسنامه مطلب |
| کد مطلب | t-245 |
| رده | تزکیه‌ای/تقوای عمومی/رذائل و فضائل/رذائل/سطح شناخت |
| برچسب | تزکیه، تربیت نفس، نفاق، دوروئی، امام خمینی |
| توضیحات |  |

 عن أبي عبد اللّه، عليه السّلام، قال: من لقى المسلمين بوجهين و لسانين، جاء يوم القيامة و له لسانان من نار.[1] ترجمه «حضرت صادق، سلام اللّه عليه، فرمود: «كسى كه ديدار كند مسلمانان را به دو رو و دو زبان، بيايد روز قيامت و حال اينكه از براى اوست دو زبان آتشى.» شرح معنى «دورويى» بين مسلمانان آن است كه انسان ظاهر حال و صورت ظاهرش را به آنها طورى نمايش دهد كه باطن قلب و سريره‏اش به خلاف اوست. مثلا در ظاهر نمايش دهد كه من از اهل مودّت و محبت شما هستم و با شما صميميت و خلوص دارم، و در باطن به خلاف آن باشد، و در نزد آنها معامله دوستى و محبت كند، و در غياب آنها غير آن باشد.

و معنى «دو زبانى» آن است كه با هر كس ملاقات كند از او تعريف كند و مدح نمايد يا اظهار دوستى و چاپلوسى كند، و در غياب او به تكذيب او و غيبتش قيام كند.

بنابر اين تفسير، صفت اوّل نفاق عملى است، و صفت دوم نفاق قولى است. و شايد كه حديث شريف اشاره باشد به صفت زشت نفاق، و چون اين دو صفت از اظهر صفات و اخص خواص منافقان است، به ذكر آنها بالخصوص پرداخته. و نفاق يكى از رذايل نفسانيه و ملكات خبيثه است كه اين‏ها آثار آن است، و از براى آن‏ درجات و مراتبى است. و ما ان شاء اللّه در ضمن چند فصل به ذكر مراتب و مفاسد آن و علاج آن به قدر مقدور مى‏پردازيم.

**مراتب نفاق**

بدان كه از براى نفاق و دورويى، مثل ساير اوصاف و ملكات خبيثه يا شريفه، درجات و مراتبى است در جانب شدت و ضعف. هر يك از اوصاف رذيله را كه انسان در صدد علاج آن برنيايد و پيروى از آن نمايد، رو به اشتداد گذارد. و مراتب شدت رذايل چون شدت فضايل غير متناهى است. انسان اگر نفس امّاره را به حال خود واگذار كند، به واسطه تمايل ذاتى آن به فساد و ناملايمات عاجله نفسانيه و مساعدت شيطان و وسواس خنّاس ميل به فساد كند، و رذايل آن در هر روز رو به اشتداد و زيادت گذارد تا آنجا رسد كه آن رذيله‏اى كه از آن پيروى كرده صورت جوهريه نفس و فصل اخير آن گردد و تمام مملكت ظاهر و باطن در حكم آن درآيد.

پس، اگر آن رذيله رذيله شيطانيه باشد، همچون نفاق و دورويى كه از خواص آن ملعون است- چنانچه قرآن شريف از آن خبر داده بقوله: و قاسمهما إنّي لكما لمن النّاصحين.[2] «قسم خورد از براى حضرت آدم و حوّا، سلام اللّه عليهما، كه من از پند دهندگان شما هستم.» با آنكه به خلاف آن بود- مملكت تسليم شيطان شود، و صورت اخيره نفس و باطن ذات و جوهر آن صورت شيطان گردد، و صورت ظاهر آن نيز در آن دنيا ممكن است صورت شيطان باشد، گرچه در اين جا به صورت و شكل انسانى است.

پس، اگر انسان از اين صفت جلوگيرى نكند و نفس را سرخود كند، به اندك زمان چنان مهار گسيخته شود كه تمام همت و همش را مصروف اين رذيله كند، و با هر كس ملاقات كند با دورويى و دو زبانى ملاقات كند، و خلط و آميزش با كسى نكند جز آنكه آلوده باشد به كدورت دورنگى و نفاق، و جز منافع شخصى و خود خواهى و خود پرستى چيزى در نظرش نباشد، و صداقت و صميميت و همت و مردانگى را بكلى زير پا نهد و در تمام كارها و حركات و سكنات دورنگى را به كار برد، و از هيچ گونه فساد و قباحت و وقاحت پرهيز نكند. چنين شخصى از زمره‏ بشريت و انسانيت دور و با شياطين محشور است.

اين‏ها كه گفته شد به حسب مراتب شدت و ضعف در خود جوهر نفاق بود، و نيز به حسب متعلق فساد آن فرق دارد. زيرا كه گاهى نفاق كند در دين خدا، و گاهى در ملكات حسنه و فضايل اخلاق، و گاهى در اعمال صالحه و مناسك الهيه، و گاهى در امور عاديه و متعارفات عرفيه. و همين طور گاهى نفاق كند با رسول خدا، صلّى اللّه عليه و آله، و ائمه هدى، عليهم السلام، و گاهى با اوليا و علما و مؤمنين، و گاهى با مسلمانان و ساير بندگان خدا از ملل ديگر.

البته اين‏ها كه ذكر شد در زشتى و وقاحت و قباحت فرق دارند، گر چه تمام آنها در اصل خباثت و زشتى شركت دارند و شاخ و برگ يك شجره خبيثه هستند.

نفاق و دورويى علاوه بر آنكه خود صفتى است بسيار قبيح و زشت كه انسان شرافتمند هيچگاه متصف به آن نيست و داراى اين صفت از جامعه انسانيت خارج، بلكه با هيچ حيوانى نيز شبيه نيست، و مايه رسوايى و سرشكستگى در اين عالم پيش اقران و امثال است، ذلت و عذاب اليم در آخرت است، و به طورى كه در حديث شريف ذكر فرموده صورتش در آن عالم آن است كه انسان با دو زبان از آتش محشور گردد، و اسباب رسوايى او پيش خلق خدا و سرافكندگى او در محضر انبياء مرسلين و ملائكه مقربين گردد. و شدت عذابش نيز از اين روايت مستفاد شود، زيرا كه اگر جوهر بدن جوهر آتش شد، احساس شديدتر و الم بيشتر گردد. پناه مى‏برم به خدا از شدت آن.

و در حديث ديگر وارد است كه رسول خدا، صلّى اللّه عليه و آله، فرمود:

«مى‏آيد روز قيامت آدم دو رو، در صورتى كه يكى از دو زبانش از پشت سرش خارج شده و يكى از آنها از پيش رويش، و هر دو زبان آتش گرفته و تمام جسدش را آتش زده‏اند. پس از آن گفته شود اين است كسى كه در دنيا دورو بود و دو زبان بود، معروف شود به اين روز قيامت.[[1]](#footnote-1)» و مشمول آيه شريفه است كه مى‏فرمايد: وَ يَقْطَعُونَ ما أَمَرَ اللَّه بِه أَنْ يُوصَلَ و يُفْسِدُونَ فِى الأرْضِ أُولئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدّارِ.[[2]](#footnote-2)سر منشأ بسيارى از مفاسد و مهالك است كه هر يك دنيا و آخرت انسان را ممكن است به باد فنا دهد، از قبيل تفتين نمودن، كه به نصّ قرآن كريم از قتل نفس بزرگتر است، و مثل نميمه، كه حضرت باقر، عليه السلام، فرمايد: محرّمة الجنّة على القتّاتين المشّائين بالنّميمة.[3] يعنى «حرام است بهشت بر سخن چينهايى كه كارشان آن باشد كه راه روند در نميمه و سخن چينى.»، و مثل غيبت، كه شديدتر است از زنا به فرموده پيغمبر[4]، صلّى اللّه عليه و آله، و مثل ايذاء مؤمن و سبّ او و هتك ستر و كشف سرّ او، و غير اين‏ها كه هر يك از آنها براى هلاكت انسان سببى مستقل است.

و بدان كه داخل است در نفاق و دورويى كنايات و اشارات و غمز و لمزهايى كه بعضى نسبت به بعضى دارند، با آنكه در مقابل آنها اظهار دوستى و صميميت كنند.

و انسان بايد خيلى مواظبت از حال خود كند و در اطوار و اعمال خود دقيق شود كه مكايد نفس و دامهاى شيطان خيلى دقيق است و كمتر شخصى مى‏تواند از آن نجات پيدا كند. ممكن است انسان با يك اشاره در غير موقع يا يك كنايه بيجا از اهل دورويى و دو زبانى به شمار آيد. و شايد انسان تا آخر عمر مبتلاى به اين رذيله باشد و خود را صحيح و سالم و پاك و پاكيزه پندارد. پس، انسان بايد مثل طبيب دلسوز حاذقى و پرستار شفيق مطلعى از حالات نفس و اعمال و اطوار خود مواظبت كند، و هيچ گاه از مراقبت كوتاهى نكند و بداند كه هيچ مرضى از امراض قلبيه مستورتر نيست و در عين حال كشنده‏تر نيست، و هيچ پرستارى نبايد شفيقتر و دلسوزتر از انسان به خودش باشد.

  امام خمینی(ره)، چهل حديث(اربعين حديث)، ص: 158

نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی(ره) مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور

[1] اصول كافى، ج 2، ص 343،« كتاب ايمان و كفر»، باب ذى اللسانين»، حديث 1.

[2] ( اعراف- 21).

[3] و الفتنة أشدّ من القتل.( بقره- 191).

[4] يا أبا ذرّ، إيّاك و الغيبة فإنّ الغيبة أشدّ من الزّنا. قلت: يا رسول اللّه و لم ذاك بأبي أنت و أمّي؟ قال: لأنّ الرّجل يزني فيتوب إلى اللّه فيتوب اللّه عليه. و الغبية لا تغفر حتّى يغفرها صاحبها.( اى أبا ذر، از غيبت بپرهيز. بدرستى كه غيبت بدتر از زناست. گفتم:« اى پيامبر خدا، پدر و مادرم به فدايت، از چه سبب چنين است». فرمود:« زيرا كه مردى كه زنا كرده بسا كه توبه نمايد، پس خداوند بر او ببخشايد، اما غيبت بخشيده نخواهد شد تا آن كس كه غيبت او را كرده‏اند از آن درگذرد.) بحار الانوار، ج 74، ص 89،« كتاب الروضة»،« باب مواعظ النبى صلّى اللّه عليه و آله و سلم».

1. عن زيد بن على، عن آبائه عن علىّ، عليهم السلام، قال قال رسول اللّه، صلّى اللّه عليه و آله و سلّم: يجي‏ء يوم القيامة ذو الوجهين، دالعا لسانه في قفاه و آخر من قدّامه، يلتهبان نارا حتّى يلهبّا جسده. ثمّ يقال له: هذا الّذي كان في الدّنيا ذا وجهين و لسانين. يعرف بذلك يوم القيامة. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص 316، «عقاب من كان ذا وجهين و ذا لسانين». [↑](#footnote-ref-1)
2. «و آنچه را كه خدا فرمان به پيوند آن داده مى‏گسلند، و در زمين تباهى مى‏كنند، بر ايشان نفرين است و منزلگاه بد.» (رعد- 25). [↑](#footnote-ref-2)